دربند، درکه و مردمان روزهای تعطیل

احمد جلالی فراهانی

اگر از اهالی اوین، درکه و دربند بپرسید روزترین روز شما چه روزیست همگی یک پاسخ مشترک دارند: پنجشنبه و جمعه. البته تعاریف آنها از این روزترین روزها متفاوت از یکدیگر است و در حالی که کاسبان خوش ترین روزشان پنجشنبه ها و جمعه هاست، ساکنان این مناطق اما بدترین روزشان همین پنجشنبه ها و جمعه هاست. می پرسید چرا؟ پاسخش پیش همه آنهایی است که دست کم یک پنج شنبه، جمعه را در کوه های شمال تهران به تفریح و سرگرمی با یار و خانوار و رفیق شفیق گذرانده اند.

چرا کوه پیمایی

کوه پیمایی و کوهنوردی به هر حال نوعی ورزش است. حتی کوه پیمایی در دامنه ها و مناطق نه چندان بلند نیز اثر بخش و فرح بخش و نشاط انگیز است. کوه پیمایی به تعبیری از بهترین ورزش ها و تفریح هاست که به خاطر تحرک در هوای آزاد و پاک، بیشترین تأثیر را در بازسازی روان و تن دارد. این همه اما به شرطی است که مجبور نباشید دست در جیب مبارکتان کنید و برای رفع خستگی و سرآمدن تشنگی نوشیدنی خنکی بنوشید. چه آن وقت آن همه خندیدن و پیاده روی و لذت بردن از زیبایی طبیعت بر سرتان آوار می شود و نصیب تان از این تفریح، خالی شدن جیب است. با این حال فراموش نکنید پنج شنبه و جمعه، بهترین روز کاسبان کوهپایه نشین پایتخت است که میراث دار پدران کشاورز و سخت کوششان هستند که طی صد سال گذشته چند جریبی زمین در میان سنگلاخ درکه و اوین، برای آیندگان به یادگار گذاشته اند و حالا که صحبت از سخت کوشی شد بد نیست بدانید حتی درختان اطراف نهر روان درکه همه صاحب دارند و در این باره سند و مدرک مستند هم دارند.

با آنکه دربند هم از کوهپایه های شمال تهران است که از اوایل قرن تـفرجـگاه تابستانی مردم تهران بوده اما در سال های اخیر دو سه گذر دیگر به آن اضافه شده که درکه پرطرفدارترین آنهاست. راهش از شمال ده سعادت آباد و زندان اوین می گذرد و با فصل بهار رودخانه اش پر آب و پربار می شود و اصلاً رونق این منطقه به واسطه همان دره کناری است که مردم ماشین زده و دود آلود تهران را به هوای گریز از این امراض به آن جا می کشاند و بر اساس فلسفه خربزه خوردن و لرز کردن، مردم پایتخت، پای مطبخ رستوران ها و کافه ها می نشینند و صبح های آلوده روزهای آخر هفته تهران را به خنکای درکه می سپرند و از آن بالا نگاه پر از آهی به شهر پردودی می اندازند که زیر فشار سیزده میلیون نفر به سختی نفس می کشد. بالاتر که بروی، قلیانی چاق و ره ای شارژ می کنند. دست آخر هم پای این لرزشیرین و پرحلاوت زودگذر می نشینند و مقادیر معتنابهی پول گزاف پرداخت می کنند و راهی خانه و کاشانه خویش می شوند.

جالب این جاست که اهالی بومی اوین، درکه حتی برای پارک خودروی کوه پیمایان طبیعت دوست، هم راه و چاره دارند و حیاطی و محوطه ای را تعبیه کرده اند و فیش و قبض و برگی و باز هم منبع کسب رزقی.

پنجشنبه که نمی شه

حکایت کوه پیمایان و مردم علاقه مند به تفریح در کوه هم حکایت جدابی است. آنها که پنجشنبه ها دل به سنگ و قله می زنند شباهتی به آنها که جمعه ها راهی درکه و دربند می شوند ندارند. پیش ترها، اهالی و کسبه درکه و دربند مردم صبح و عصر پنجشنبه را مردم علم و دانش می دانستند و دانشجویان و دانش آموزان از این دسته بودند.

پنجشنبه ها هنوز هم اما روز جوانترها و پیرترهاست. جوانهایی که گروه، گروه و دسته، دسته به خلوت سنگ و دره می روند و پیرترهایی که به یادجوانی یا به پای آنها بالا می روند و گاه دود است که از کنده بلند می شود و دانشجویان دانش پژوه تا همان هفت حوض و آبشار دوقلو بیشتر نمی کشند و پیرترها آهسته اما پیوسته ره به مسیر می سپارند و از بالاتر که بینیی با کلاه و شال و چوب کوه نوردی هیبت جذابتری دارند که آرام آرام با حسرت گذشته و غنیمت امروز و ترس فردا جاده مال روها را بالا می روند.

گاه با هم گرم گفت و گوهایی مهم و جدی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می شوند و گاه که به آشنایی می رسند سلامی و علیکی و یاد و خاطره و لبخندی و باز هم ادامه مسیر. حرفه ای ترهاشان جوراب های پشمی تیره رنگی به پا دارند و پوتین های محکم و اصلی و کوله پشتی و چوبدستی.

اغلب بازنشستگان بیکارمانده دولتند و بینشان فرهنگی بسیار است. با چنان رغبتی تن به این سفر کم خطر و بی ضرر سپرده اند که پا به پایشان هم که بروی نمی بری. با محبتند و بذله گو. بیشترشان سرخجیرتر از جوانها هستند و جوانها که تازه به سیزده چنار می رسند، آنها صبحانه را هم خورده اند و برگشته اند و در راه بازگشت نان خانه را هم خریده اند.

جوانترها اما معمولاً از ساعت ۹ صبح به بعد سروکله شان پیدا می شود. یکی از ساکنان درکه می گوید: اغلب آنها که پنجشنبه می آیند، بخصوص پنجشنبه های زمستان و پاییز، دانشجو هستند. دانشجوهای دانشگاه های شهید بهشتی و تهران. خیلی هم اهل سروصدا و داد و فریاد نیستند. با این همه اگر جمع شان جمع باشد و بزم شان جور یادشان می رود که در این کوچه و خیابان، خانه و خانواده ای هست و رنگ شان می گیرد که رنگ بگیرند و بزنند زیر آواز.»

اضافه کنم به حرفهای سید مهدی موسوی درکه ای که اگر در میان جمع کوچک مورد اشاره دو هنرمندی باشد که اتفاقاً سازی به همراه داشته باشد، خواندن آوازهای دسته جمعی با ساز همراه می شود و گاهی وقتها حرکات موزن و ...

دانشجویان کوهپیمایی طبیعت دوست پایتخت نشین البته لزوماً همگی تهرانی نیستند. بلکه برعکس اغلب دانشجویان شهرستانهای دور و نزدیکی هستند که سودای علم به پایتخت کشاندنشان و به همراه هم خوابگاهی ها و هم ولایتی ها یادی می سازند و خاطره ای می پردازند. تا شاید در روزهای عیالواری و گرفتاری که گذرشان به آب و رود و کوه رسید خاطره ای تازه کنند و حسرتی از گذشته ببرند. خریدهای آنها شراکتی است و همین شراکت و گفتن و خندیدن های همیشگی باعث می شود چندان فشار اقتصادی و مالی را متحمل نشوند و البته معمولاً خوراکشان کنسرو است و نان و نوشابه. با آنها که صحبت کنی از کمبود امکانات می نالند و گاه برخوردهای سخت و سفتی که محیط تفریح شان را تبدیل به سالن تشریح می کند.

درباره برخوردها یکی از کاسبان درکه که در هفت حوض کافه ای دارد و تخت و حوضی می گوید: تا قبل از آمدن خانمی برخورد با دخترها و پسرها بیشتر و بدتر بود. من خودم دیده بودم که گاه حتی کار به دعوا و کتک زدن و بگیر و ببند هم کشیده بود اما حالا برخوردها بهتر شده و کمتر گیر می دهند و بیشتر دنبال معتادان و بعضاً خلافکاران هستند که آسایش خانواده ها را سلب می کنند.»

پنجشنبه های اوین، درکه و دربند با شوخی و بذله گویی جوانها می گذرد و ظهر که به میدان درکه بروی جا برای سوزن انداختن نیست و قطار درازصف پیرو جوان را می بینی که منتظر مینی بوس و اتوبوس اند برای رفتن و با این حال خنده ها هنوز پابرجاست و متلک ها براه و شوخی ها بسیار.

جمعه بازار

جمعه های دربند، جمعه های ازدحام است و آدم. مثل جمعه های درکه. جمعه های درکه جمعه های خانواده است و جوانان. خانواده هایی که از همه طبقات جامعه درآنها دیده می شود و طبقه زیرمتوسط و متوسط بیشتر. آنهایی که توان اقتصادی شان بیش از اینهاست ظرف و ظروف ناهارشان همراه نیست و به قیمت های نجومی رستورانها و قهوه خانه ها قانع اند و صدایشان درنمی آید و می خورند و می خندند و قدر وسعشان از طبیعت لذت می برند.

در مقابل آنها که وسعشان کمتر است و خرجشان بیش از دخلشان، با ظرف می آیند و زیرانداز و پیک نیک و چای و فلاسک و زاره زنبیل و جمع شان جمع تر است و خنده شان گرم تر و با این همه کمتر جای مناسب می یابند برای نشستن که در این کوه درندشت نه مسؤولی نه فدراسیون برایشان جای مناسب تعبیه نکرده است و نظارتی هم که بر قیمت ها نیست و قیمت دوغ قیمت خون است و قیمت دوشاب قیمت کیمیایی نایاب.

درصد بالایی از مردمان کوهپایه پیمای تهران، از اهالی جنوب شهر تهرانند و این را می شود از آداب و گفتار و کردار و پوشاکشان فهمید. رنگ های تند و شاد و لطیف های آب دار و متلک های تاب دار و پیکان های مدل دهه ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ و موتورسواران بسیار. سواری ها صدای ضبط و دنگ و دونگ شان گوش فلک را کر می کند و داد و بیداد سوارانشان، انگار انتقامی است که آنها از نداری هایشان می کشند.

میان خیل پرازدحام جمعیت ریز و درشتی که به دامان طبیعت هجوم آورده اند، دسته دسته دختران و پسرانی را می بینی که پرخاشگری و کم طاقتی بینشان کمتر دیده می شود اما هستند جوانان لاابالی و لاقیدی که بی ملاحظه خانواده ها و خانوارها گاه با حـرف هـای درشـت و رکـیک از خجالت همدیگر به در می آیند و برخی اوقات کارشان به زدوخورد های خونین کشیده می شود. اینان اغلب جوانان هستند با هیکل ها و هیبت های درشت که اصلاً آمده اند تا همین اندام «آرنولدی» را به رخ بکشند و در رقابتی نانوشته کارشان گاه به جاهای باریک هم کشیده می شود.

دسته آوازه خوان ها و رسته نوازنده ها هم همچنان دربند و درکه را محیط بکر و دور از دغدغه ای برای هنر بازاری خود می دانند. گاه در میان خیل هجوم آورندگان به دامان طبیعت آمده اند تا همین اندام «آرنولدی» را به رخ بکشند و در رقابتی نانوشته کارشان گاه به جاهای باریک هم کشیده می شود.

دسته آوازه خوان ها و رسته نوازنده ها هم همچنان دربند و درکه را محیط بکر و دور از دغدغه ای برای هنر بازاری خود می دانند. گاه در میان خیل هجوم آورندگان به دامان طبیعت آمده اند تا همین اندام «آرنولدی» را به رخ بکشند و در رقابتی نانوشته کارشان گاه به جاهای باریک هم کشیده می شود.

کارشان به زدوخورد های خونین کشیده می شود. اینان اغلب جوانان هستند با هیکل ها و هیبت های درشت که اصلاً آمده اند تا همین اندام «آرنولدی» را به رخ بکشند و در رقابتی نانوشته کارشان گاه به جاهای باریک هم کشیده می شود.

جمعه های درکه، جمعه های خانواده است و جوانان. خانواده هایی که از همه طبقات جامعه درآنها دیده می شود و طبقه زیرمتوسط و متوسط بیشتر. آنهایی که توان اقتصادی شان بیش از اینهاست ظرف و ظروف ناهارشان همراه نیست و به قیمت های نجومی رستورانها و قهوه خانه ها قانع اند و صدایشان درنمی آید و می خورند و می خندند و قدر وسعشان از طبیعت لذت می برند.

در مقابل آنها که وسعشان کمتر است و خرجشان بیش از دخلشان، با ظرف می آیند و زیرانداز و پیک نیک و چای و فلاسک و زاره زنبیل و جمع شان جمع تر است و خنده شان گرم تر و با این همه کمتر جای مناسب می یابند برای نشستن که در این کوه درندشت نه مسؤولی نه فدراسیون برایشان جای مناسب تعبیه نکرده است و نظارتی هم که بر قیمت ها نیست و قیمت دوغ قیمت خون است و قیمت دوشاب قیمت کیمیایی نایاب.

درصد بالایی از مردمان کوهپایه پیمای تهران، از اهالی جنوب شهر تهرانند و این را می شود از آداب و گفتار و کردار و پوشاکشان فهمید. رنگ های تند و شاد و لطیف های آب دار و متلک های تاب دار و پیکان های مدل دهه ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ و موتورسواران بسیار. سواری ها صدای ضبط و دنگ و دونگ شان گوش فلک را کر می کند و داد و بیداد سوارانشان، انگار انتقامی است که آنها از ندارى هایشان می کشند.

میان خیل پرازدحام جمعیت ریز و درشتی که به دامان طبیعت هجوم آورده اند، دسته دسته دختران و پسرانی را می بینی که پرخاشگری و کم طاقتی بینشان کمتر دیده می شود اما هستند جوانان لاابالی و لاقیدی که بی ملاحظه خانواده ها و خانوارها گاه با حـرف هـای درشـت و رکـیک از خجالت همدیگر به در می آیند و برخی اوقات کارشان به زدوخورد های خونین کشیده می شود. اینان اغلب جوانان هستند با هیکل ها و هیبت های درشت که اصلاً آمده اند تا همین اندام «آرنولدی» را به رخ بکشند و در رقابتی نانوشته کارشان گاه به جاهای باریک هم کشیده می شود.

درد چیست

از روز دهم تا دوازدهم مارس در «فرانکفورت» آلمان بیش از دو هزار کارشناس و متخصص آلمانی و بین المللی گرد هم آمدند، تا درباره مبارزه با دردهای گوناگون، با یکدیگر به بحث و مشورت بپردازند.

رادیو آلمان به این بهانه گزارشی را منتشر کرده، که در آن آمده است:

در یک احساس پیچیده است که اغلب اجزای روحی را نیز در بردارد.

وجود گیرنده های احساس درد و انتقال بدون اختلال این حس به سیستم عصبی مرکزی، پیش شرطهای داشتن درد، می باشند.

در دردهای مزمن، عوامل بیولوژیکی، فیزیکی و اجتماعی بر روی یکدیگر تأثیرات متقابل می گذارند.

به عبارتی، درد، یک «خیابان یک طرفه» نیست که، در آن تنها علائم و پیامهایی از سوی بدن به مغز ارسال گردند و برخلاف، سیستم های ویژه ای در بدن ما فعالیت می کنند که، دائما در تلاشند، تا یک آسیب دیدگی جسمی اجباراً به ایجاد درد منجر نگردد، برای مثال جراحتی که در طی یک سانحه رانندگی، مسابقه ورزشی، جنگ یا حتی بصورت پنهان در هنگام مقاربت جنسی بروز می کنند.

علاوه بر این گاهی دردهایی وجود دارند که، بر اثر یک آسیب دیدگی جسمی نبوده و علت مشخصی ندارند.

طبق تعریف رسمی انجمن بین المللی مطالعات علمی در این مورد، «درد، یک درک و تجربه ناخوشایند است، که بر اثر یک صدمه دیدگی بوجود آمده و یا به بروز آسیبی منجر خواهد شد، یا اینکه به این صورت احساس می شود.» بنابراین درد، آن چیزیست که بیماران احساس می کنند.

گیرنده های درد، انتهاهای عریان رشته های عصبی می باشند که، در برابر تحریکهای مختلف مثلا در برابر سرما و گرما، قطع شدن یا فشار زیاد و مواد شیمیایی از خود واکنش نشان می دهند.

در مقایسه با گیرنده های دیگر، گیرنده های درد، احتیاج به تحریک قویتری دارند، تا واکنش نشان دهند و برخلاف دیگر گیرنده ها، به محرکها عادت نمی کنند یعنی میزان تأثیر پذیری آنها کاهش نمی یابد.

فعالیت گیرنده های درد توسط برخی مواد شیمیایی همانند Prostaglandin ها، Bradykinin ها و Serotonin ها قابل تغییر و اغلب قابل افزایش است.

علاوه بر این، کمبود میزان اکسیژن در بافتها بر اثر سکته، افزایش محیط اسیدی بدن بخاطر افزایش دی اکسید کربن یا تغییر میزان غلظت خون نیز می توانند حساسیت در برابر محرکهای درد را افزونتر سازند.

رشته های عصبی که اطلاعات مربوط به درد را منتقل می کنند، به دو گونه اند.

رشته های سریع A دلتا، که سرعت انتقال در آنها به ثانیه می رسد و رشته های کندتر C که با سرعت انتقالی به میزان یونیم متر در ثانیه درد را منتقل می کنند.

این رشته های عصبی C هستند که، ابتدابه انتقال تحریکات درد می پردازند و به همین علت هم، مکان یابی دقیق درد در این مورد امکان پذیر نیست.

در لحظه نخست احساس درد در نخاع، واکنشی ناگهانی فعال می شود که، حرکتی سریع را موجب می شود، در حالیکه درد، هنوز با هوشمندی تمام درک نشده است، مثلاً عقب کشیدن دست، به محض احساس حرارت شعله از این موارد است.

از سوی دیگر این اطلاعات به مغز انتقال می یابند، در قشر خارجی مغز یعنی کورتکس است، که درد، سرانجام هوشیارانه درک شده و مورد ارزیابی قرار می گیرد.

درک احساس درد و یافتن محل آن، روندی است که باید آموخته شود، در قشر حساس کورتکس برای هر بخشی از پوست بدن مناطق ویژه ای وجود دارند که، کل آنها Homuncolus نامیده میشود.

یک پدیده ویژه اما، دردهای انعکاس یافته می باشند.

از آنجایی که اندامهای درونی بدن نیز دارای رشته های عصبی می باشند اما، در پروسه یادگیری ما، کمتر امکان خودنمایی می یابند، دردهایی که در این ارگانها بوجود می آیند، بصورتی دیگر، به منزله درد در مناطق پوستی یا ماهیچه ای انعکاس می یابند.

در حین انتقال درد در نخاع، برخی مواد تولید شده در بدن همانند Endorphin ها می توانند میزان آن را کاهش دهند.

از دیگر داروهای شناخته شده برای تسکین درد می توان مورفین را نام برد که از تریاک تهیه می شود.

مطالعات گسترده در زمینه داروهای مسکن نشان داده که، اثر این داروها در مورد بیماران مبتلا به دردهای مزمن، بصورت دائم نبوده و آنها می توانند موجب بروز اعتیاد شوند.

یک جدول با دو شرح ۳۱۰۳

جدول روزنامه ایران دارای دو شرح «عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دوشرح ابتدا یکی از شرحها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- فقیر و بینوا - سینه پهلو
۲- زین وبرگ اسب - امروزی و جدید - نقیض متقدم
۳- کوتاه و ناقص - دریچه هوا در کاربراتور خودرو - بیماری مهلک
۴- قلعه - رودی به طول ۱۰۵ کیلومتر در مازندران - شاهزاده فرنگی
۵- اسم آذری - بازدارنده - هر یک از جمله های قرآنی - شکلک
۶- سبزی نقلی! - نامراد و بی بهره - دریا - لحظه کوتاه
۷- حالت خانم باردار - شهر خروس جنگی - پسته دهان گشاد
۸- چست و چالاک - تلافی کردن
۹- نمایش دنباله دار - شغل - دیرنشین
۱۰- تلخ تازی - از بستگان پدری - زینت دست خانمها - فلز چهره نشان
۱۱- خوک وحشی - سلطان شطرنجی - قانون چنگیزی - طایفه ای در غرب ایران
۱۲- سیر و گشت - دریافتن وپی بردن - وجود ندارد
۱۳- خرید و فروش - سرخرگ - پشت و عقب
۱۴- اسرار - بازرس، رسیدگی کننده - پناهگاه
۱۵- سازمانی نظامی که ناصرالدین شاه در ۱۲۹۶ هـ . ق و به تقلید از روسها ترتیب داد - محلی برای روضه خوانی و عزاداری.

عمودی:

۱- نقاشی ریزه کاری - شرق شناس
۲- منزل و خانه - کبک معروف - مفتخر
۳- ستاره - لقب امام پنجم شیعیان - طول، مقابل پهنا
۴- عددی که بر عدد دیگر تقسیم شده - فصل بهار - نیم صدای گریه
۵- بی صدا و ساکت - آسودگی - عضو دفاعی گاو
۶- خون - از میان رفتن و نابود گشتن - نیشتر
۷- پنهان کردن زیر خاک - کشور همسایه - شیطان
۸- جمع ذره - پرگویی - بزکوهی - قهوه خانه
۹- هماهنگ گشتن و با هم جور شدن - قاتل - کلید موسیقی
۱۰- فوری - طبق اصل صدو هفتم تعیین رهبر به عهده منتخبین مردم در این مجلس است - بخیل
۱۱- پیروان یک پیامبر - حلال رنگ - خوبرو
۱۲- سیلی - خط گردش سیارات - نامها
۱۳- جوجه تیغی - میوه هزاردانه - قدرت و نیرو
۱۴- سرمای سخت زمستان - رعب و وحشت - پرتاب کننده
۱۵- ترسیده - بخشی از یک مؤسسه که کارهای نامه نگاری و دریافت پا فرستادن نامه ها از طریق آن انجام می شود.

جدول ویژه

افقی:

۱- شخصیت اصلی یک داستان، نمایشنامه یا فیلمنامه - میوه ای سرخرنگ با طعم ترش مطبوع
۲- روزه دار - مرکز غنا - تنبل
۳- دوتن که به یک اندازه عمر کرده باشند - شهری باستانی در فلسطین - پرنده آش سردکن
۴- نیست شدن - شکننده - شهری در استان لرستان
۵- آب منجمد - خیمه صحرانشین - اسب چاپار - رنگ آسمان
۶- رخنه و شکاف - خلیفه اموی - برانگیختن - ضمیر عربی
۷- قوس - ظرف قدیمی روغن - آشکار و نمایان
۸- پرچم ها - پای کوه
۹- سیاره زحل - عشوه - کشنده شتر
۱۰- حرف ندا - برابر - پاره شده - دیوار بلند
۱۱- سپهر و گردون - پخش و پلا - سرها - وحشی و درنده
۱۲- آماسیدن - روستاها - نمایش یا داستانی که به سرگذشت نزدیک باشد
۱۳- پرتاب کننده - خالق کمدی الهی - آکندگی
۱۴- کامل کردن و به پایان رساندن - یکی از دو جنس - شاداب و تازه
۱۵- دهستان مرحمت آباد بخش حومه شهرستان میاندوآب - از تیم های فوتبال لیگ اسپانیا (لالیگا) در فصل اخیر.

عمودی:

۱- عنوان اثری از نادر ابراهیمی، شاعر، نویسنده، نمایشنامه نویس و منتقد معاصر - جدایی
۲- سرگشته - ناپخته - واحدی برای مسافت
۳- هافبک تیم لیورپول انگلیس - مؤثر - شبه جزیره معروف اروپا
۴- کشورها - سرباز نیروی دریایی - کاپ سر بریده!
۵- سرزنش کننده - فلانی - درجه حرارت
۶- تاب و توان - ماهر و آزموده - دیدار کردن
۷- مرتجع جدولی - فرصت انجام کاری - چشم انداز
۸- نان آبگوشتی - نفس بلند - جنس به ظاهر قوی - چهار دیوار سقف دار
۹- سنبل الطیب - برقرار - ضربه سر
۱۰- کتاب هندوان - بررسی مجدد - دانه خوشبو
۱۱- جواز و پروانه - ماه اول سال هجری قمری - هلهله شادی
۱۲- رود اروپا - صفت آنچه به صورت اشاره یا کنایه در لابه لای سخنان گفته شود - شهری مذهبی در عراق
۱۳- دشنام - زبان کوچک - باوقار
۱۴- نفیس - صفت هوای زمستان - بت عصر جاهلیت
۱۵- قدرت و طاقت - کارخانه اسلحه سازی.

حل جدول عادی شماره ۳۱۰۲

حل جدول ویژه شماره ۳۱۰۲

جدول ویژه همراه با جوایز ویژه در ایران پیام (نیازمندیهای روزنامه ایران)

پذیرش نمایندگی فعال در کلیه شهرستان ها
پیام سیستم
۰۹۱۱-۷۲۸۸۷۷۷
۰۹۱۱-۷۶۱۵۸۸۵
۰۹۱۵۳۱۲۴۲۴۸
تولید کننده تابلوهای فاسیو تری و الکترونیکی
برای نمایش پیامهای شما به مخاطبین شما

درخواست همکاری
با شرکت ساختمانی برای کارگاه بندرعباس
۱- مهندس ساختمان یا معماری با کمینه ۱۲ سال پیشینه کار اجرایی برای سرپرستی کارگاه
۲- تکنسین ساختمان یا معماری با کمینه ۶ سال پیشینه کار اجرایی برای سرپرستی کارگاه
۳- کارشناس حسابداری با بازرگانی آشنا به نرم افزارهای مالی و انبارداری برای سرپرستی انبار کارگاه
شرکت پایا هور دفتر بندرعباس:
تلفن: ۳۲-۶۶۲۳۳۲ - ۰۷۶۱ تمابر: ۰۷۶۱-۶۶۶۰۷۰

بسمه تعالی
آگهی مناقصه عمومی
شماره ۸۴/۱۱۲
شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین
شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین در نظر دارد، انواع پایه های سیمانی مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا کلیه تولید کنندگان و فروشندگان مربوطه می توانند از تاریخ چاپ آگهی به مدت یک هفته در ساعات اداری برای خرید اسناد و شرایط مناقصه به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال به نشانی قزوین، ابتدای خیابان طالقانی، شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین، طبقه دوم، امور تدارکات مراجعه نموده و یا از طریق سایت اینترنتی این شرکت به نشانی www.qazvin-ed.co.ir دریافت نمایند.
دفتر روابط عمومی
شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین